

بازی

محمد مهدی صفورایی

بازی چیست؟ فواید آن کدام است؟ در این زمینه، وظیفه والدین در قبال فرزندان چیست؟... در آستانه تعطیلی مدارس و بیکاری دانش آموزان، بسیار بجاست که پدران و مادران نکات مهمی را درباره بازی بدانند.

لزوم فعالیت کودکان

فعالیت، یکی از نیازهای انسان و اساس رشد و تکامل اوست. بازی نیز نوعی فعالیت به شمار می آید. گفته اند: کودک سالم خوب می خورد، خوب می خوابد، خوب هم بازی می کند. کودکان ضمن بازی به فعالیت های بدنی، عقلی و اجتماعی نیز می پردازند.

بازی را چندگونه تعریف کرده اند. جرسیلد می گوید: «بازی کودک یک کار جدی است». فرانک می نویسد: «بازی راهی است که کودک آن چه را که کسی نمی تواند به او بیاموزد، یاد می دهد.» بعضی نیز بازی را زندگی کودک دانسته اند. می توان گفت: به طور کلی، بازی هر نوع فعالیتی است که فرد برای لذت بردن انجام می دهد، بدون این که به نتیجه نهایی آن توجه داشته باشد یا منتظر باشد پاداشی دریافت کند. فرد با کمال میل و بدون اجبار، بلکه فقط برای سرگرمی و لذت بردن، به بازی می پردازد. فرق بازی با کار در این است که دومی برای رسیدن به یک هدف معین انجام می گیرد، نه برای لذت بردن. از نظر کودک، فعالیت های آزاد بازی شمرده می شوند، ولی آن چه را که بزرگ سالان برای او تعیین و تکلیف می کنند کار تلقی



می‌نماید؛ از قبیل: تکالیف مدرسه و کمک در کارهای خانه.

هم‌چنین بازی یک رفتار فطری عمومی است که در همه موجودات زنده دیده می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل و وسایل رشد و تکامل و یادگیری است. به عبارت دیگر، کودک بازی می‌کند تا رشد و پرورش یابد.

فعالیت و رشد عمومی کاملاً به یکدیگر بستگی دارند. میزان رشد کودک، امیال و فعالیت‌های او را تعیین می‌کند و رشد او را بر می‌انگیزد. بیش‌ترین یادگیری کودک درباره خود و جهان اطرافش به وسیله بازی انجام می‌گیرد. در بازی با کودکان دیگر است که او می‌فهمد مردم نسبت به او و فعالیت‌های خاصش چه واکنشی نشان می‌دهند.

کودکی که از بازی می‌گریزد به‌طور حتم، رشدی سالم و طبیعی ندارد و احتمالاً از نوعی ناراحتی عاطفی رنج می‌برد. بنابراین، باید فوراً به درمان او پرداخت. محروم ساختن کودک از بازی بیش از هر چیز، او را ناراحت می‌کند و چه بسا ممکن است به برخی ناراحتی‌های عصبی منجر شود؛ زیرا چنان‌که اشاره شد، بازی تنها وسیله طبیعی برای یادگیری و پیشرفت است. بازی نوع و میزان آموخته‌های کودک را نشان می‌دهد. از روی فعالیت‌های کودک، می‌توان به میزان هوش و اطلاعات وی پی‌برد. بازی، که با حرکت و فعالیت توأم باشد، دلیل سلامت وجود کودک است. بازی برای کودکان مانند کار برای بزرگسالان است؛ اما کاری است

که احتیاج به آموختن ندارد. کودک سالم نمی‌تواند پنج دقیقه ساکت باشد و دایم در تلاش و بازی با چیزهایی است که می‌بیند و لمس می‌کند. گاهی در خانه به کتابخانه پدرش می‌رود و آن‌ها را زیر و رو می‌کند، گاهی اسباب‌بازی‌های خود را به آتش می‌اندازد تا ببیند می‌سوزند یا نه و بدین‌سان، کنجکاوی خود را مانند یک دانشمند تشنه برای رسیدن به یک حقیقت تازه یا ابتکار جدید ادامه می‌دهد. خلاصه آن‌که کودک به محیطی نیازمند است که بتواند «خودش باشد»؛ جایی که بتواند برود، صدا کند، خود را بالا بکشد فریاد زند، بشکند و بسازد. او همه امیال خود را با بازی ارضا می‌کند.

کودک در خلال بازی، کارهایی انجام می‌دهد که به کسب مهارت و افزایش فهم منجر می‌شوند، چنان‌که در یک سالگی، صداهای گوناگون در می‌آورد و به تکرار آن‌ها می‌پردازد و از این‌کار، لذت فراوان می‌برد. سپس این صداها به صورت کلماتی در می‌آیند که آن‌ها را در گفت‌وگوی خود به کار می‌برد. همین‌که بزرگ می‌شود، از انداختن توپ، بالا رفتن از پله و نردبان و درخت، و جست و خیز و حرکت لذت می‌برد و خوش‌حال می‌شود و بدین ترتیب، تجارب خود را افزایش می‌دهد و نیروی پا، بازو و انگشتان او پرورش می‌یابند. گاهی نیز دست‌های خود را کشیف و لباس‌هایش را پاره می‌کند و....

این گونه فعالیت‌های کودکان نباید موجب

انسانی خود
عمل کنند و این
فوق توانایی
آن‌هاست.

کودکان
سالم منحصرأ
به یک نوع
فعالیت -
نمی‌پردازند،
بلکه از فعالیتی
به فعالیت دیگر

متوجه می‌شوند. بنابراین، بر ما ضروری است
که از نیروی محرّکی قوی (بازی) برای آموزش
کودک استفاده کنیم، هرگز سعادت او را فدای
راحت و آسودگی خود نکنیم و شادی ایشان را
هرچند موجب ناراحتی ماست، راحت و
خوشی خود بدانیم. باید به این اصل توجه کنیم
که هنگام بازی است که کودک با کمال آزادی،
حواس خود را به کار می‌اندازد و نیروی تفکر،
ابداع و اختراع خود را پرورش می‌دهد. به‌طور
خلاصه، کودک به وسیله بازی، همه
استعدادهای خود را در میدان رفتارهای بشری
به کار می‌اندازد. به عقیده پروفیسور وود ورت،
حتی تخیل کودک نیز نوعی بازی است.

ارزش‌های بازی

با توجه به آن‌چه گفته شد، می‌توان اهمیت
بازی را در رشد و تکامل کودک دریافت.
ارزش‌ها و فایده‌های بازی را برای کودکان



تأسف و ناراحتی
بزرگسالان شود؛
چه، این‌ها لازمه
رشد و تکامل
دوران کودکی
آن‌هاست و تنها راه
کسب معلومات و
مهارت می‌باشند و
خود والدین نیز
زمانی همین
رفتارها را داشته‌اند.

گاهی کودک خود را به پدر و مادرش تشبیه
می‌کند و به اصطلاح، ادای آن‌ها را در می‌آورد،
بر دوش برادر بزرگش سوار می‌شود یا بر دیوار
می‌نویسد. در چنین مواقعی، معمولاً
بزرگسالان او را سرزنش می‌کنند، لکن اگر
انصاف دهیم، این بزرگان هستند که باید مورد
ملامت قرار گیرند؛ زیرا هرگاه کودکی اسبی
داشته باشد که بر آن سوار شود - اگر چه از تخته
یا چیز دیگری باشد - یا تخته سیاهی که بر آن
بنویسد، در این صورت، بر دوش برادر
ضعیفش سوار نمی‌شود یا در و دیوار را خراب
نمی‌کند. اگر ما، والدین، مربیان و معلمان، شاد
شویم از این‌که فرزندان و دانش‌آموزان ما ساکت
و آرام باشند، حرکت نکنند، سخن نگویند و
پوشاک و سرو صورتشان در تمام روز نظیف و
تمیز باشد، در این صورت، این ما هستیم که
نیازمندیم خود را تغییر دهیم، نه کودکان ما؛
زیرا ما از ایشان انتظار داریم که خلاف طبیعت

می‌توان چنین خلاصه کرد:

الف - ارزش بدنی

کودک برای این‌که عضلات خود را رشد و پرورش دهد و تمام قسمت‌های بدنش ورزیده شود، باید بازی کند. هم‌چنین کودک به وسیله بازی، انرژی‌های اضافی خود را صرف می‌کند که در غیر این صورت، موجب هیجان، عصبانیت، تندخویی او و به‌طور کلی، ایجاد مشکل برای خود و والدینش می‌شود.

ب - ارزش ذهنی

بازی سبب می‌شود که کودک نیروهای ذهنی خود را به کار اندازد، او را در شناخت و مهار محیط یاری دهد، او را قادر می‌سازد که توانایی‌هایش را بیازماید، بدون این‌که مسئولیتی را برای فعالیت‌های خود در نظر بگیرد. هم‌چنین ضمن بازی، یاد می‌گیرد که میان واقعیت و خیال فرق بگذارد.

ج - ارزش اجتماعی

کودک بدون بازی، مخصوصاً بازی با کودکان دیگر، فردی خودخواه، خودبین و فرمانده بار می‌آید، ولی از راه بازی با دیگران، روش همکاری، دادن و ستاندن و وارد ساختن شخصیت خود در گروه را می‌آموزد. درست است که کودک رفتار اجتماعی را در برخوردهای خود با دانش‌آموزان دیگر مدرسه یاد می‌گیرد، ولی بازی‌های مقید مدرسه، در مقایسه با بازی‌های آزاد خارج از مدرسه، فرصت کمی برای رفتار اجتماعی کودک فراهم می‌آورد. کودک به وسیله بازی، یاد می‌گیرد که

چگونه با دیگران ارتباط برقرار سازد و مشکلات مربوط به روابط اجتماعی را حل کند. بازی به کودک کمک می‌کند که مانند یک شخص اجتماعی مطلوب، رشد و تکامل یابد. بازی وسیله مهمی است که به کودک امکان می‌دهد خود را مهار کند، پیش از آن‌که از طرف بزرگسالان مهار شود.

د - ارزش یادگیری

کودک ضمن بازی با اسباب بازی‌های گوناگون، رنگ، اندازه، ترکیب، ارزش و اهمیت اشیا را در می‌یابد و به تدریج که بزرگ می‌شود، مهارت‌های زیاده‌تری از راه بازی کسب می‌کند. پی‌گردی، گردآوری و سایر اشکال زیاد بازی در طفولیت سبب می‌شود که کودک اطلاعاتی درباره محیط زندگی خود به دست آورد که تحصیل آن‌ها از راه کتاب‌های درسی ممکن نیست. خواندن، نمایش، هم‌آوایی و فیلم‌های برگزیده، در عین حال که برای کودکان لذت‌بخش و سرور انگیزند و دایره تجاربشان را گسترش می‌دهند، اما کافی نیستند، بلکه کودک از راه بازی، ارزش خود و توانایی‌های خود را یاد می‌گیرد و آن‌ها را کشف می‌کند و او را در داشتن مفهوم روشنی از خویشتن یاری می‌دهد. خلاصه آن‌که منبع عمده یادگیری‌ها در کودک، بازی است.

ه - ارزش درمانی

کودک در زندگی روزانه، نیازمند آن است که خود را از نگرانی‌هایی که فشار محیط در او ایجاد می‌کند، رها سازد. بازی بهترین وسیله‌ای

است که او را در رسیدن به این هدف کمک می‌کند.

کودک می‌تواند امیال و احتیاجات سرکوفته (ارضا نشده) خود را از راه بازی‌های گوناگون ارضا نماید. هم‌چنین بازی او را قادر می‌سازد که نقشه‌هایی برای حل مسائل خود طرح کند و این نیز اهمیت بیش‌تری در زندگی شخصی او دارد. کودکی که از خودشیرینی خواهرش نزد مادر ناراحت شده و دچار افسردگی و انزوا گردیده با نیم ساعت بازی با پسر همسایه، همه چیز را فراموش خواهد کرد. اما اگر پس از این افسردگی، بدون بازی در منزل بماند و این حادثه را در خیال خود هرچه بیش‌تر پرورش دهد، او دچار مشکلات بیش‌تری خواهد شد و به تدریج، مشکلات اخلاقی دیگری از قبیل حسادت و اعمال تلافی‌جویانه نیز متوجه او خواهد گردید.

و- ارزش تربیت اخلاقی

فرزند، حق و باطل و گناه و ثواب را در خانه و مدرسه یاد می‌گیرد، ولی اجرای مقررات اخلاقی در آن‌ها به اندازه بازی جدی نیست. کودک می‌داند که اگر بخواهد عضو پذیرفته شده و مورد توجهی در گروه خود باشد، باید با انصاف و مؤدب، درست‌کار و راست‌گو، بازنده‌ای خوب و خوددار باشد. او هم‌چنین می‌داند که هم‌بازی‌هایش بیش‌تر از بزرگ‌سالان خانه و مدرسه سخت‌گیرند. او ضمن بازی است که بیش از هر وقت دیگری یاد می‌گیرد که مقررات را به سرعت و به‌طور کامل اجرا کند.

او درحین بازی می‌تواند اوضاع و احوال زندگی واقعی را دریابد و می‌فهمد که چگونه باید با آن‌ها رو به رو شود. هم‌چنین با اطمینان، احساسات کینه‌توزی، ترس و ناشایستگی خود را تعبیر و تفسیر می‌کند و راه مقابله با آن‌ها را فرا می‌گیرد.

خلاصه، بازی یک نوع فعالیت فطری و بهترین وسیله و تمرین برای آمادگی در زندگی است. به عبارت دیگر، بازی خود زندگی طبیعی کودک و در عین حال، وسیله آماده شدن برای مراحل بعدی زندگی است و محروم ساختن کودک از بازی در واقع، محروم ساختن او از زندگی است. از این‌رو، والدین، معلمان و مربیان باید بازی را از ضروریات زندگی کودکان بدانند و از آن به عنوان بهترین و مؤثرترین وسایل تربیت استفاده کنند، اسباب بازی‌های گوناگون و متناسب برای ایشان فراهم کنند و از رعایت نکات تربیتی نیز غافل نباشند.

ادامه دارد.

منابع:

- ۱- علی اکبر شعاری نژاد، روان‌شناسی آموزش و پرورش.
- ۲- علی اکبر شعاری نژاد، روانشناسی رشد، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۲.
- ۳- سیامک رضا مهجور، روانشناسی بازی، شیراز، ۱۳۷۰.

